

شنبه ۱۴ تیر ۱۳۹۹ | ۱۲ ذی‌القعدة ۱۴۴۱ | ۴۰ جولای ۲۰۲۰

خبر کوتاه

میزبانی؟ نه استادبوم داریم نه حتی آب خوردن!

احسان خراسانی

چند روز پیش اسم ایران در کنار کشورهایی که نامزد میزبانی جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۷ شدند آورده شد تا دوباره یک سوال بزرگ در ذهن اهالی فوتبال در ایران نقش ببندد. اینکه واقعا با وضعیت کنونی فوتبال ایران قصد میزبانی تورنمنتی به بزرگی جام ملت‌های آسیا را داریم؟ شاید این سوال از نگاه بعضی مسئولان سوالی کاملا بدبینانه باشد. در واقع از نگاه کسانی که بیشنهاد میزبانی جام ملت‌ها را می‌دهند ایران شرایط انجام چنین کاری را دارد و هیچ مشکلی وجود ندارد. اما آیا با نگاه منطقی و اصولی به این موضوع مهم نیز باز هم به این نتیجه می‌رسیم. ایران و امارات برای گرفتن میزبانی جام ملت‌های ۲۰۱۹ با هم رقابت داشتند و در نهایت امارات توانست با زیر ساخت های بهتر، ورزشگاههای مناسب تر، حمل و نقل عمومی قوی‌تر و... میزبانی را برای خود کند. شاید این تازه‌ترین تلنگر به فوتبال ایران باشد. اینکه با یک مقایسه ساده به چنین نتیجه‌ای برسیم که داشتن میزبانی از بازی‌ها برای ما کار راحتی نیست.

یکی از اصلی‌ترین مشکلاتی که فوتبال ایران گریبان‌گیرش خواهد شد موضوع داشتن استادیوم‌های مناسب برای برگزاری بازی‌هاست. تا این لحظه به صورت رسمی به کشور‌های نامزد کسب عنوان میزبانی اعلام شده که باید ۸ تا ۱۰ ورزشگاه با استانداردهای بین المللی برای این مسابقات تجهیز کنند. حالا همین وضعیت را در کشور خودمان بررسی کنیم.

استادیوم آزادی، استادیوم نقش جهان اصفهان، استادیوم آزادی (ضلع) مشهد، استادیوم فولاد آرنا اهواز و استادیوم یادگار امام(ره) تبریز؛ این‌ها پنج استادیومی هستند که تا حد زیادی شرایط خوبی دارند اما داشتن پنج استادیوم برای میزبانی تورنمنتی به بزرگی جام ملت‌ها که اتفاقا قرار است با ۲۴ تیم برگزار شود اصلا کافی نیست. ضمن اینکه حتی استادیوم آزادی که بین این پنج استادیوم بهترین امکانات را دارد و مهم‌ترین ورزشگاه ایران است، برای دیدار فینال آسیا بین پرسپولیس و کاشیما کای مشکل داشت و با هزار ترفند به شرایط بازی رسید!

در واقع باید اینطور گفت که هر کدام از این پنج ورزشگاه خود نیاز به تجهیز مجدد دارند. بگذریم از اینکه طبق گفته کنفدراسیون فوتبال آسیا حداقل سه استادیوم با این امکانات در ایران باید ساخته شود. تازه این در شرایطی است که پنج استادیوم بالا تاییدیه میزبانی را داشته باشند.

اگر از این مشکل کلی عبور کنیم به مشکلات جزئی عجیبی می‌رسیم که طی سال‌های اخیر در استادیوم‌های فوتبال ایران وجود داشته. از اینکه خیلی‌ها برای پیدا کردن مقداری آب خوردن در استادیوم‌های ایران چه سختی می‌کشند تا اینکه خیلی وقت‌ها خیلی‌ها بیشتر از زمانی که از محل سکونت به استادیوم برسند در پارکینگ‌های ورزشگاه‌های ایران می‌مانند! موضوع حمل و نقل بین شهرهای مختلف، امکان اسکان تیم‌های مختلف در هتل‌های کشور، به عهده گرفتن هزینه‌ای نه چندان کم تیم‌ها و... دیگر موضوعاتی هستند که مسئولان فوتبال ایران باید به آنها توجه کنند. شاید امارات ۲۰۱۹ که خیلی هم دور نیست به عنوان یک الگو بهترین مورد برای بررسی باشد. بررسی که البته مسئولان فوتبال ایران برای گرفتن میزبانی جام ملت‌ها را به پشیمانی نرساند. چراکه دانستن چیزهای زیادی از میزبانی امارات شاید همه را به این نتیجه برساند که ایران نه حالا بلکه در چند سال آینده هم بعید است یک میزبانی در چنین سطحی بگیرد.

افت تراکتور در نیم‌فصل دوم؛ ساکت می‌رود؟

ساکت الهامی مربی جوان فوتبال کشورمان که پس از برکناری مصطفی دزینی و البته حضور موقت احد شیخ‌لاری، سرمربی تراکتور شد، در هفته‌های ابتدایی توانست عملکرد جالبی داشته باشد به خصوص در ۴ هفته اول با ۴ پیروزی و کسب ۱۲ امتیاز خودی نشان داد. او، اما در شروع نیم‌فصل دوم عملکرد جالبی نداشت و به نظر نمی‌رسد در جلب نظر هواداران موفق شده باشد. هفت بازی از نیم فصل گذشته و تراکتور تنها سه پیروزی به دست آورده در حالی که یک بار مقابل گل گهر متوقف شده و سه شکست در کارنامه این تیم به ثبت رسیده است.سرخپوشان غرب کشورمان با اینکه تیمی بسیار پرمهر و امیدوار به کسب قهرمانی بودند، اما حالا مدتی است وارد سراسیمگی از دست دادن امتیاز شده‌اند. این تیم در نیم فصل دوم به شکل زیر نتیجه گرفته است: هفته نازدهم: تراکتور یک - نفت مسجد سلیمان هفته هفدهم: پرسپولیس ۲ - تراکتور صفر هفته جدیدم: تراکتور ۲ - ذوب‌آهن اصفهان یک هفته نوزدهم: گل گهر سیرجان یک - تراکتور یک هفته بیستم: تراکتور سه - سایپا یک

هفته بیست‌ویکم: پارس جنوب یک - تراکتور صفر هفته بیست‌ودوم: تراکتور صفر - نساجی مازندران یک با توجه به روند امتیازگیری و نتایجی که به وجود آمده، شانس تراکتور برای کسب عنوان قهرمانی و کسب سهمیه آسیایی کاهش پیدا کرده است. مگر اینکه ساکت الهامی و شاگردانش به خودشان بیایند و در ادامه این روند را تغییر دهند. آنها در چهار بازی گذشته و از ۱۲ امتیاز ممکن، فقط ۴ امتیاز را به دست آورده‌اند که برای یک مدعی قهرمانی، اصلا خوب به نظر نمی‌رسد آن هم در شرایطی که هواداران انتظار قهرمانی دارند. جالب اینکه تراکتور در ادامه راه باید مقابل تیم‌هایی چون صنعت نفت آبادان، استقلال، سپاهان اصفهان، سرخ‌پورود مشهد، فولاد خوزستان و... هم صف‌آرایی کند و اگر منجر به کسب نتیجه لازم نشود، شاید تغییراتی در قرارداد فصل آینده کادرفنی سرخ‌های غرب باشد.

پژمان زاهیر

از صحبت های علی کفاشیان رئیس اسبق فدراسیون فوتبال ایران و عضو بازگشته فدراسیون پس از جدایی تاج، بعد از گفتگوی امروز با خبرنگاران می‌شود به سر نخ های تازه‌ای از وضعیت اداره‌ای فوتبال ایران و اوضاع فعلی رسید. علی کفاشیان که حضورش در فوتبال، مولود تعلیق فدراسیون فوتبال در سال ۱۳۸۶ و شروع به کار کمیته عادی سازی و سپس برگزاری انتخابات با حداقل نامزد بوده است، امروز در صحبت‌هایی موضوع مورد بحث اسنانسانمه فدراسیون فوتبال ایران و فیفا را طوری با خبرنگاران مطرح کرد که حق را به سمت ایرانی ندهد؛ به عقیده کفاشیان، با توجه به سازوکار اداره فدراسیون‌ها در ایران و قانون کلی حاکم بر فدراسیون‌های ورزشی، فدراسیون فوتبال نیز باید به عنوان یک نهاد عمومی غیر دولتی به کار ادامه دهد اما این بندی است که فیفا، روی آن ایست کرده و به هیچ وجه از آن کوتاه نمی‌آید. فیفا بدون قید و شرط از فدراسیون فوتبال ایران درخواست کرده در تعریف اسانسانمه ابتدا سمت و سوی خود را معرفی کند؛ یک نهاد غیر دولتی بدون پیشوند، پسوند و میان‌وند.

❖ در ایران، جریان دولتی به هیچ وجه علقه ندارد که کنترل بر فدراسیون فوتبال را با پذیرفتن این بند از دست ندهد؛ جالب اینکه قبلا این مسیر یک بار طی شده و به بن بست رسیده و قرار است تاریخ تکرار شود؛ موضوع استفاده ی حذف کلمه «عمومی» در اسانسانمه فدراسیون به همان کمیته انتقالی معروف با ریاست محسن صفایی فراهانی باز می‌گردد که فدراسیون فوتبال ایران در اسانسانمه اصلاح شده، یک نهاد غیردولتی خوانده شد اما با وجود ارسال اسانسانمه به فیفا و اعلام این خبر که این اسانسانمه در هیات دولت مورد تصویب قرار گرفته است، هیچ مدرکی دال بر تصویب اسانسانمه در هیات دولت در مجلس شورای اسلامی وجود دارد. در واقع بخش دولتی هرگز زیربار اینکه فوتبال ماهیتا خصوصی باشد نرفت.

- موضوع در این باره کاملا روشن است، بخش



حاکمیتی (شامل دولت، مجلس و ...) با توجه به سطح در برگیری فوتبال دوست ندارد فوتبال به عنوان یک نهاد خصوصی و به دست اشخاص مستقل اداره شود و علاقه‌مند است سررشته‌های فوتبال را در دست خود داشته باشد.

کفاشیان در مصاحبه مطبوعاتی خود، جملاتی را که قبلا از افراد وزارت ورزش شنیده بودیم تکرار کرد؛ او گفت: باید با فیفا مذاکره شود و قانع شان کنیم که قانون کلی در ایران این است. اما آقای کفاشیان! قبلا و سالیان سال، در این زمینه تلاش های زیادی انجام پذیرفته است اما فیفا حاضر نشده از اساسی که برای خود در نظر گرفته، کوتاه بیاید. کما اینکه در سفر نمایندگان فیفا برای اصلاح اسانسانمه به ایران نیز این مسئله مورد تذکر قرار گرفته که فدراسیون فوتبال ایران باید یک نهاد غیر دولتی تلقی شود.

در حال حاضر مهدی محمد نبی که به عنوان دبیرکل فدراسیون از وزارت ورزش، قدرت اداری فدراسیون را برعهده دارد به دنبال یک راه میانبر کم هزینه برای رفع و رجوع این مشکل است؛ اما تا به حال مذاکرات در این زمینه پیش نرفته است و از گوشه و کنار خبر می‌رسد که ممکن است فیفا

محمد همتی

ایراد می‌گیرند اما نقطه‌ای که تمام این جریان‌ات هواداری را به یکدیگر متصل کرده، اتفاق نظر روی ندایوم همکاری پرسپولیس با کریم باقری است؛ اما چرا؟

وقتی که احتمال جدایی برانکو ایوانکوویچ از پرسپولیس مطرح بود، طرفداران سرخپوش در شبکه‌های اجتماعی خود را سازماندهی کردند و چهار روز متوالی در مقابل ساختمان باشگاه تجمع داشتند. نام هر مربی که می‌آمد، با آن مخالفت می‌کردند اما جدایی که قطعی شد، تنها یک خواسته داشتند، هرکسی که قرار است بیاید باید کریم باقری را روی نیمکت حفظ کند و حتی از پیشنهاد ایرج عرب برای سرمربیگری او نیز استقبال کردند؛ هرچند که به وضوح می‌دانستند وی نه سابقه سرمربیگری دارد و نه به صورت آکادمیک مربیگری را تا سطح بالا دنبال کرده. در این بین پاسخ کریم باقری به پیشنهاد عرب بر محبوبیت او اضافه کرد. آقاکریم گفته بود که خود را در حد سرمربیگری پرسپولیس نمی‌داند.

پرسپولیس گمان می‌کند او عامل وحدت، حاشیه زدایی و همدلی در بین بازیکنان پرسپولیس است و نگاهی به اتفاقات پنج سال اخیر نیز همین موضوع را نشان می‌دهد. در دومین بازی برانکو روی نیمکت پرسپولیس، کریم باقری روی شیطنت پیام صادقان سخت گیری حداکثری انجام داد و نتیجه‌اش هم کنارگذاشته شدن او توسط برانکو بود. این آغاز ریاضت اخلاقی در تیم پرسپولیس بود که به مرور زمان تبدیل به رویه شد و بازیکنانی نظیر سوشا مکانی هم که حواشی و درگیری هایی داشتند هم خود با این سیستم تطبیق داده و دستکم در درون تیم، هیچ تنش و التهایی به وجود نیاوردند.

این که یک نفر نظم را به مجموعه تیمی چون پرسپولیس بیاورد، کار بسیار بزرگی است و این را بیش از همه هوادارانی می‌دانند که سال های سال با حاشیه سازی بازیکنان خود دست و پنجه نرم کرده و حتی در برخی مقاطع به عنوان پراحشیه ترین تیم ایران مطرح شدند. اما در دوره برانکو با محوریت کریم باقری، این تنش ها تا میزانی که بتوان آن را نزدیک به صفر خواند، کاهش یافت.

بالتر در پراترزه بر محبوبیت کریم باقری به عنوان مربی اشاره شد.

چرا استقلال قدر داشته‌هایش را نمی‌داند؟

همه سال برنامه‌ای برای سازمان دهی این افراد داشته‌اند؟ آیا به فکر طراحی و تدوین یک برنامه‌ی ما دونه‌اند تا حداقل از این ظرفیت بی‌نظیر به سود باشگاه استقلال و برنامه‌های فنی آن بهره برداری شود؟ آیا اصلا اراده‌ای وجود داشته و دارد تا این افراد به هم نزدیک شوند و از اندیشه و تفکرات آنان برای کمک به رشد و ترقی ایی پوشان در تیم‌های مختلف استقلال استفاده شود؟

و پاسخ این پرسش‌ها غیر از خیر چه می‌تواند باشد! متأسفانه مدیران باشگاه نه تنها از توانایی و مهارت مربیان استقلالی استفاده نکرده‌اند حتی به نوعی با رفتار‌های غلط و عملکردی نسنجیده موجبات تفرقه و اختلاف بین مربیان استقلالی را هم به وجود آورده‌اند که این موضوع باعث شده تا بین این افراد گاردی تهاجمی و خصمانه وجود داشته باشد.

این جدال و رقابت منفی به گونه‌ای است وقتی یکی از استقلالی‌ها به عنوان سرمربی، مربی و عضوی از کادر فنی استقلال به خدمت گرفته می‌شود برای او مشکلات زیادی به وجود می‌آید، تخریب، انتقادات شدید و هر چیزی دیگر که منجر به پایین آمدن ضریب موفقیت آن فرد شود به راه

نه کریم نه وحید؛ خبری از ایرانی‌ها نیست

دراگان اسکوچیچ پس از قبول هدایت تیم ملی، کریم باقری و وحید هاشمیان را به عنوان گزینه‌های مد نظر خود برای مربیگری در تیم ملی برگزید. البته هاشمیان از دوره مارک ویلموتس تحت قرارداد فدراسیون بود. با این حال هیچ یک از این دو نفر فعلا در تیم ملی حضور ندارند و اسکوچیچ از مشاوره مربیان وطنی و آشنا به فوتبال ایران محروم است.درباره کریم باقری در روزهای گذشته مذاکراتی صورت گرفت و فعلا طرفین به توافق نرسیده‌اند. باقری فعلا دستیار یحیی گل محمدی است و با پرسپولیس قرارداد دارد

ارتباط خاصی با فوتبال ایران داشته باشند مگر در جهت توسعه، پیشرفت و کمک هایی که در سراسر دنیا به فوتبال انجام می‌شود چرا که این سرگرم کننده‌ترین و استراتژیک‌ترین ورزش دنیاست. در این‌باره گفته می‌شود که فدراسیون فوتبال ایران از فیفا مهلت مجددی را درخواست کرده است تا در این‌باره تصمیم بگیرد و شاید با برگزاری یک انتخابات زودهنگام (آنطور که کفاشیان گفت) کار را تا حدی هم پیش ببرند اما فیفا به نامه ایران پاسخ نداده و شاید ناگهان تصمیم بر آن شود که کمیته عادی سازی رشته امور فدراسیون را در دست بگیرد که در آن صورت، قدرت چانه زنی به حداقل رسیده و فدراسیون فوتبال ایران بی کم و کاست آنچه فیفا می‌خواهد را به عنوان اسانسانمه بپذیرد.

در هفته گذشته در یکی از اعضای فدراسیون فوتبال در گفتگو با سردبیر ورزش سه تاکید کرد که موضوع اسانسانمه فدراسیون فوتبال در اوج پیچیدگی قرار گرفته‌است و باید هر چه سریع‌تر در این زمینه اقدام عاجلی به عمل بیاید؛ اقدامی که وزارت ورزش (جناب وزیر و معاونانش) علاقه‌ای به انجام آن ندارد (تلقی وزارت همانطور که کفاشیان هم می‌گفت برخی تحرکات منفی از سوی مدیران پیشین فدراسیون فوتبال ایران در این رابطه است) . ضمن آنکه آنها بدنبال تغییر کامل در بدنه فدراسیون هستند و فکر می‌کنند با پذیرش این بند بازم ممکن است فردی که مدنظر آنها نیست رییس بشود.

❖ جالب است اساسا برای فیفا، تصویب و یا عدم تصویب اسانسانمه نهایی فدراسیون فوتبال ایران(در مجلس یا دولت) ارزشی خاصی ندارد چرا که تنها مرجع تصویب این اسانسانمه، خود فیفاست

نه نهادهای قانون گذاری و حاکمیتی ایران که با توجه به ساختار دولتی ورزش در ایران، حضوری دائمی در تصمیم‌سازنهای مربوط به ورزش دارند. اما تنها بحث قابل توجه پذیرفتن قواعد فیفا به عنوان نهاد بالادستی فدراسیون فوتبال ایران به جای نهادهای قانون گذاری سیاسی است که طبق ساختار طراحی شده از سوی فیفا باید

یک –مسیر سخت، پر هزینه واعصاب‌خردکنی که از طریق کمیته عادی سازی(و در واقع مستقیما با اراده فیفا) انجام می‌شود و حتی ممکن است به تعلیق فوتبال نیز بیانجامد. دو–گردن نهان به تصمیم فیفا و گرفتن تصمیم شجاعانه نحوه اداره فدراسیون تحت لوای یک کم عنوان دو کلمه‌ای: «نهاد غیردولتی».



این نکته بسیار مهمی است چرا که خیلی از کسانی که در دوره بازیکنی از سرمایه اجتماعی گسترده برخوردار بودند، در دوره مربیگری نتوانستند این سرمایه را در دفترچه خود حفظ کنند اما کریم باقری نه در اینستاگرام و تلویزیون بلکه با رفتار و منش خود آن را حفظ و البته به آن اضافه هم کرد و حالا حتی هواداران نوجوان نیز او را به عنوان کاپیتانی مقتدر در گذشته و رهبری منضبط در فضای فعلی می‌شناسند.

پس طبیعی است که پرسپولیسی‌ها جدایی او را تاب نیاورند و به حق با آن مخالف باشند. آن‌ها از دستمزد بالای او حمایت می‌کنند چون تصور دارند که سزاوار آن است، آن‌ها از تصمیمات قاطع و مشاوره های سخت گیرانه اش به سرمربی استقالی می‌کنند چون می‌دانند منافع تیم و باشگاه را در نظر می‌گیرند، آن‌ها با جدایی او مخالف هستند چون بیم این را دارند که دوباره حواشی بر فضای تیم محبوبشان سایه بی‌افکند؛ بنابراین مسئولان فدراسیون و دراگان اسکوچیچ باید حق بدهند که این طرفداران حتی دوست نداشته باشند که آقاکریم را در لباس مربی تیم ملی هم ببینند، هر برسد به باشگاهی دیگر.

البته نکته همین این است که شاید بسیاری ادعا کنند که کریم باقری به حضور در تیم ملی و ترک پرسپولیس علاقه دارد اما او در گفتگوی اخیر خود هم تاکید کرده که همه چیز به نظر باشگاه پرسپولیس بستگی دارد و این یعنی مدیریت سرخپوشان است که باید تصمیم بگیرد.

شماره ۲۹۹۴

اخبار

برای فغانی دوم؛ دو ماه دیگر می‌بینیم!

رسول پیروش

باز امیر قلعه‌نویی برنده شد، باز دنیا سراسر گلستان شد، مربی حریف «استاد» از آب درآمد و داور مسابقه یک پارچه نیوغ و استعداد محض لقب گرفت. به تجربه ثابت شده ما در فوتبال ایران ۲ تا قلعه‌نویی داریم؛ یکی برنده می‌شود و پس از پیروزی به پیروزی به پیروزی می‌ورزد، یکی هم می‌بازد و پس از باخت، انواع توطئه‌های کثیف و دست‌های پشت پرده را کشف و برملا می‌کند.

دوشنبه‌شب خوشبختانه سپاهان گل‌گهر سیرجان را برد تا بار دیگر از «قلعه‌نویی پروانه‌ای» رونمایی شود. بعد از بازی از او در مورد مشاجره‌اش با مجید جلالی پرسیدند و سرمربی سپاهان جواب داد: «من هرگز چنین جساترتی نمی‌کنم. ایشان استاد ما هستند. با مدیرخان فقط گپ زدیم». البته این آقای جلالی همانی است که بعد از بردن ذوب‌آهن با فولاد و کمک به قهرمانی استقلال در لیگ هشتم از سوی قلعه‌نویی «مرد» لقب گرفت، اما ۱۸ ماه بعد در پایان یک بازی رودرو با نتیجه بد، «یارو» خوانده شد. حالا جلالی باز هم استاد شده؛ هرچند معلوم نیست اگر دوشنبه‌شب سپاهان را شکست می‌داد، در همین منصب شامخ باقی می‌ماند یا نه؟

شاهکار قلعه‌نویی بعد از بازی اخیر اما جایی بود که از داور مسابقه تمجید کرد: «من آقای عرب‌براقی را کامل می‌شناسم. ایشان از بستگان آقای فغانی است و فکر می‌کنم یک فغانی دیگر دارد ظهور می‌کند». امیدوارم روند پیشرفت ادامه داشته باشد. این از آن حرف‌هایی است که آتش به جان آدم می‌اندازد. سرمربی سپاهان در حالی به زعم خودش فغانی دوم فوتبال ایران لقب گرفته که فغانی اول، از دست او خون دل‌ها خورد و رفت. هنوز یادمان نرفته قلعه‌نویی چطور رسا و شجاع به علی‌ضا فغانی یورش می‌برد، قلدر و خودشیفته خطابهش می‌کرد و عقیده داشت او از عمد به ضرر تیم‌هایش سوت می‌زند، این قاضی مهاجر ایرانی، حتی در لیست ۴ نفره داورانی قرار دارد که قلعه‌نویی گفته تا آخر عمرش آنها را نخواهد بخشید. ممبینی، محسن ترکی و اشکان خورشیدی ۳نفر دیگر از فهرست مغضوبان ابدی ژنرال هستند. شما چه گلی به سر فغانی اورجیتال زدی که حالا دنبال بدلش می‌گردی عزیز جان؟

به عرب‌براقی عزیز هم توصیه می‌کنیم مطلقا گوش به این ستایش‌ها ندهد. این قبیل حرف‌های قلعه‌نویی فقط ناشی از سرخوشی بعد از پیروزی است و زیاد نباید از را جدی گرفت، مثال می‌خواهید؟ او روز ۲۳ فروردین ۹۸ در مورد محمدحسین زاهدی‌فر گفته بود: «یکی از بهترین داوران ۴۰ سال اخیر فوتبال ایران است»، اما ۸خرداد همان سال بعد از بازی سپاهان و پرسپولیس در نیمه‌نهایی جام حذفی، قضاوت زاهدی‌فر در این مسابقه را مشکوک و مهندسی‌شده خواند. البته بهترین داور ۴۰ سال گذشته در همان مسابقه هم یک پناالتی بحث‌برانگیز برای سپاهان گرفت، اما چون مهدی کپانی آن را به اوج زد و تیم قلعه‌نویی باخت، چارهی جز مصاحبه علیه داور باقی نماند. فاصله بین ۲ اظهارنظر دیگر در مورد زاهدی‌فر فقط ۴۷روز بود؛ یعنی حتی ۲ماه هم نمی‌شد. پس ۲ ماه بعد خدمت شما هم سلامی دیگر عرض خواهیم کرد جناب عرب‌براقی یا موقتا فغانی دوم!

دانیال – پرسپولیس؛ چراغ سبز برای فصل بند

پرسپولیس برای فصل آینده به دنبال تقویت خود در برخی پست‌های موردنظر خود و در این میان گفته می‌شود یکی از بازیکنانی که حضورش در فصل بیستم در ترکیب شاگردان یحیی گل محمدی قطعی شده، دانیال اسماعیلی فر است.

بازیکن راست پای مازندرانی حال حاضر ذوب آهن که فصل گذشته برای پشت سر گذاشتن دوران سربازی در تراکتور حضور یافته بود، مشتریان زیادی را در نقل و انتقالات زمستانی نیز پیش روی خود می‌دید که در نهایت با مخالفت باشگاه ذوب همراه شد. سپاهان، تراکتور، استقلال و پرسپولیس از جمله تیم‌هایی بودند که تمایل خود را به صورت کتبی و رسمی به ذوب آهن اعلام کردند که موضوع مبلغ رضایتنامه و در ادامه مخالفت باشگاه ذوب آهن مانع از این انتقال شد. این در حالی بود که حتی گفته می‌شد باشگاه سپاهان تمامی اقدامات لازم برای در اختیار گرفتن این ستاره تکنیکی و راست پا را در مذاکره با ذوب آهن و دانیال اسماعیلی فر نیز صورت داده و در یکقدمی جذب وی قرار دارد.

اکنون اما شایعات نزدیک به واقعیت از جدی شدن مذاکره و حتی قول و قرار‌های بین این بازیکن و یحیی گل محمدی برای فصل آینده و حضورش در پرسپولیس خبر می‌دهد. بازیکن ساروی حال حاضر ذوب آهن که سابقه همکاری با یحیی گل محمدی را در دو مقطع در تیم‌های ذوب آهن و تراکتور در کارنامه دارد، با توجه به شناختی که از سرمربی کنونی پرسپولیس دارد، گفته می‌شود با فدراسیون قرارداد دارد ولی هیچ گاه از دیدار او و اسکوچیچ گذشته می‌نشدن نشده و معلوم طرفین دیداری با هم نداشته‌اند یا خیر. هاشمیان فعلا در خارج از کشور به سر می برد و هنوز به کادر فنی ملحق نشده است.

و اگر قصد حضور در تیم ملی را داشته باشد، باید قید همکاری با تیم محبوب خود را بزند. در نتیجه فعلا همه چیز به پایان فصل جاری موکول شده و باید دید در جلسه ای که آن موقع برگزار می شود، فدراسیون با پرسپولیس و باقری به توافق می رسد یا نه. دربار هاشمیان وضعیت پیچیده‌تر است. همانطور که گفته شد او از دیدار فغانی گذشته با فدراسیون قرارداد دارد ولی هیچ گاه از دیدار او و اسکوچیچ گذشته منتشر نشده و معلوم طرفین دیداری با هم نداشته‌اند یا خیر. هاشمیان فعلا در خارج از کشور به سر می برد و هنوز به کادر فنی ملحق نشده است.